

روایت روز

برای روز جهانی مقابله با ایدز:

«آموزش جنسی» در مدارس همچنان مسکوت است



سمیه جاهدعطایان

اول دسامبر، برابر با ۱۰ آذر، «روز جهانی اج‌آی‌وی/ایدز» نام‌گذاری شده است؛ روزی برای یادآوری اینکه افراد مبتلا به اج‌آی‌وی نیز حق دسترسی به درمان، احترام و رفتار عادلانه دارند. با وجود پیشرفت‌های پزشکی و امکان زندگی کاملاً عادی با این ویروس، بسیاری از بیماران همچنان با تبعیض، افشاکری بدون اجازه و رفتارهای نادرست در مراکز درمانی روبه‌رو می‌شوند. روایتی که در ادامه می‌آید، تجربه یکی از همین بیماران در یکی از بیمارستان‌های تهران است؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد مشکل اصلی هنوز «ویروس اج‌آی‌وی» نیست، بلکه برخورد اشتباه و انگ اجتماعی اطراف آن است. وقتی پایش روی پله‌های خانه لیز خورد، فقط به درد شدیدی فکر می‌کرد که از ساق پایش بالا می‌رفت. هیچ وقت تصور نمی‌کرد آن سقوط کوچک، راز چندساله زندگی‌اش را فاش کند. «س» که به ویروس اج‌آی‌وی مبتلا است و از مادران حامی سلامت در انجمن احیاست، به «شرق» می‌گوید: «مرا به بیمارستانی در شمال تهران بردند، اما گفتند ارتوپد نیست. درد به جانم چنگ می‌زد و راهی بیمارستان دیگری در جنوب شهر شدیم. هنوز فرصت نکرده بودم به دخترانم بگویم چه چیزی را سال‌ها در سینه نگه داشتم‌ام. نمی‌خواستم بار نگرانی را به دوش‌شان بگذارم. پزشک گفت باید جراحی شوم. آزمایش خون گرفتند. تا آن روز هیچ‌کس، حتی دخترانم، نمی‌دانستند که من با ویروس اج‌آی‌وی زندگی می‌کنم». او ادامه می‌دهد: «چند ساعت بعد، پرستاری دخترم را کنار کشید و آهسته گفت مادر شما «به یک بیماری مبتلاست» و برای جراحی باید از بیرون دستکش مخصوص تهیه کنی. دخترم گیج شد. پرسید چه بیماری‌ای؟ و کادر درمان، بدون هیچ ملاحظه‌ای، گفتند: «مادرتان ایدز دارد». همان‌جا شنیدم که دخترم روی زمین افتاد و تشنج کرد. صدای گریه خواهرش که او را تکان می‌داد هنوز در گوشم است. همان لحظه بود که خواهر بزرگ‌تر هم حقیقت را فهمید. زانوهایم سست شد، نه از درد یا، بلکه از شکست دل دخترانم. سال‌ها بود برای محافظت از آنها سکوت کرده بودم. حالا حقیقت با بی‌ملاحظگی کامل، درست وسط راهروی بیمارستان، روی سرشان خراب شد». به هزار سختی پول خرید دستکش را جور کردند. اما حقارت اصلی هنوز مانده بود: «برای جراحی به من لباس پاره و دست‌دوم دادند؛ لباسی که بوی کهنگی می‌داد، انگار نشانه‌ای برای اینکه من «دیگری» هستم. وقتی مرخصم کردند، در بره‌های پایانی ۹۰۰ هزار تومان هزینه همان لباس را نوشته بودند؛ لباسی که حتی ارزش یک بار پوشیده‌شدن نداشت. آن روز فقط پاشنه پایم نشست، چیزی در درونم هم شکست. چیزی بین اعتماد و کرامت. سال‌ها با این‌ویروس زندگی کرده‌ام، داروهایم را منظم گرفته و زندگی عادی داشته‌ام. آنچه من را آزرده کرد، خود بیماری نبود، بلکه رفتار آدم‌هایی بود که باید در بیمارستان پناه و حامی باشند».

«زها حاجی‌زاده»، مدیرعامل انجمن احیای ارزش‌ها، در گفت‌وگو با «شرق» به مشکلات این بیماران، به‌ویژه برای زنان اشاره می‌کند: «در ایران بسیاری از زنان مبتلا به اج‌آی‌وی، نه از خود ویروس، بلکه از برخوردهای اجتماعی آسیب می‌بینند. ترس از برچسب‌خوردن باعث می‌شود برخی از آنها تیر به خدمات درمانی مراجعه کنند یا مشکلات‌شان را پنهان نگه دارند؛ موضوعی که می‌تواند سلامت خودشان و فرزندان‌شان را تهدید کند. این در حالی است که امروزه اج‌آی‌وی یک بیماری قابل کنترل به حساب می‌آید و با درمان منظم، فرد می‌تواند زندگی طبیعی داشته باشد». به گفته او، بسیاری هنوز نمی‌دانند که اج‌آی‌وی از طریق تماس عادی، استفاده مشترک از وسایل یا معاشرت روزمره منتقل نمی‌شود. آگاهی‌رسانی درست نه‌تنها از ایجاد ترس بی‌مورد جلوگیری می‌کند، بلکه مانع تبعیض در محیط خانواده، مدرسه و مراکز درمانی می‌شود. در این میان نقش «مادران حامی سلامت» اهمیت زیادی دارد. این عنوان که از سوی انجمن احیای ارزش‌ها به زنان مبتلا داده شده، فرصتی ایجاد می‌کند تا این مادران با تجربه‌های خود، پیام‌های درست درباره پیشگیری و درمان را به دیگران منتقل کنند. مشارکت آنها در کلاس‌ها و کارگاه‌ها باعث می‌شود اطلاعات علمی و معتبر به خانواده‌ها، نوجوانان و جامعه برسد و نگرش‌های اشتباه درباره اج‌آی‌وی اصلاح شود. او ادامه می‌دهد: «فعالیت این زنان نشان می‌دهد، وقتی جامعه از قضاوت و پیش‌داوری فاصله بگیرد، افراد مبتلا می‌توانند بدون ترس و شرمندگی برای مراقبت‌های پزشکی اقدام کنند و زندگی سالمی داشته باشند. انگ‌زدایی و افزایش آگاهی عمومی، مهم‌ترین گام برای حمایت از این مادران و پیشگیری از گسترش اج‌آی‌وی است». حاجی‌زاده، کاهش سن شروع رابطه جنسی را یکی از دالیل افزایش موارد جدید ابتلا به اج‌آی‌وی عنوان کرده و ادامه می‌دهد: «بسیاری از نوجوانان و جوانان پیش از آنکه آگاهی لازم درباره مراقبت‌های جنسی و راه‌های انتقال داشته باشند، وارد رابطه می‌شوند. نمونه‌های اخیر نشان می‌دهد افرادی در حدود ۲۰ سالگی، فقط چند ماه پس از اولین رابطه، با نتیجه مثبت تست مواجه شده‌اند. نبود آموزش کافی و ناآگاهی از مراکز تست رایگان و محرمانه، باعث می‌شود بخش بزرگی از موارد ابتلا پنهان بماند، وضعیت به معمولاً به «کوه یخ آمار» تشبیه می‌شود، چون تعداد زیادی از افراد هنوز هیچ‌گونه تستی نداده‌اند».

براساس اعلام او، در فرایند تست اج‌آی‌وی، داوطلبان ابتدا اطلاعات پایه‌ای درباره اج‌آی‌وی و هپاتیت سی دریافت می‌کنند و سپس از آن آزادانه تصمیم می‌گیرند تست بدهند یا نه. تست‌ها کاملاً داوطلبانه، بدون اجبار، رایگان و محرمانه انجام می‌شود. آمار تست‌های انجام‌شده نشان می‌دهد مراجعه برای تست اج‌آی‌وی در سال جاری نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، در حالی که هنوز موارد جدید ابتلا مشاهده می‌شود. این کاهش مراجعه، ضرورت آگاهی‌رسانی گسترده‌تر را نشان می‌دهد. او در ادامه به مشکلات اطلاع‌رسانی در مدارس اشاره می‌کند: «در زمینه آموزش نوجوانان درباره پیشگیری از اج‌آی‌وی، چالش جدی در سیستم آموزشی دیده می‌شود. با وجود پیگیری‌ها و مکاتبات متعدد، امکان ارائه آموزش منظم در مدارس محدود است. برخی مدارس نسبت به این موضوع حساسیت و مقاومت دارند و آموزش جنسی را تابو می‌دانند. ما نمانه‌ای از پزشک‌یان زمانی که وزیر بهداشت بود داریم مبنی بر اینکه مدارس می‌توانند در زمینه اطلاع‌رسانی در حوزه پیشگیری از اج‌آی‌وی برنامه‌ریزی کنند. اما متأسفانه همچنان با مقاومت در مدارس مواجهیم». حاجی‌زاده این را هم می‌گوید: «بررسی‌ها نشان می‌دهد سطح آگاهی بسیاری از کارکنان مدارس نیز در این زمینه پایین است، به همین دلیل جلسات مختلفی با اولیا و مربیان برگزار شده تا حداقل اطلاعات ضروری درباره راه‌های انتقال و پیشگیری ارائه شود. اما محدودیت‌ها همچنان وجود دارد و همین موضوع باعث شده نوجوانان بدون آموزش کافی وارد روابط جنسی شوند. در شرایطی که سن شروع رابطه جنسی در مواردی به حدود ۱۶ سال رسیده است، آموزش درباره بیماری‌های آمیزشی اهمیت بالایی پیدا می‌کند و می‌تواند نقش مهمی در محافظت از سلامت نوجوانان داشته باشد».

نیلوفر حامدی: «دخترمان قرار بود کلاس اول برود، اما

ثبت‌نامش نمی‌کردند»، «بیمارستان زیر بار جراحی نوزاد نرس‌ت»، «گفتند پرستارن مبتلاست، اجازه نمی‌دهیم وارد هواپیما شود». . . . درست ۳۸ سال پیش، اول دسامبر (دهم آذر) را به‌عنوان روز جهانی ایدز نام‌گذاری کردند تا نه‌تنها بوجه‌ها در زمینه مقابله و پیشگیری از این بیماری افزایش یابد، بلکه سطح آگاهی جامعه در این زمینه بالا برود. آموزش به طور جدی در دستور کار نهادهای دولتی و خصوصی قرار گیرد و مبارزه با تبعیض‌های موجود علیه مبتلایان به این بیماری به یک رویه جدی بدل شود. اما با گذشت نزدیک به چهار دهه از آن روز تا به حال، سطح انگ اجتماعی نسبت به این بیماری در ایران تا اندازه‌ای است که کودکان مبتلا به اج‌آی‌وی که از نعمت داشتن والدین و خانواده محرومند، گاهی تا ۱۴سالگی در شیرخوارگاه‌ها باقی می‌مانند و نه والدین متقاضی سرپرست‌شدن و نه حتی بسیاری از پرورشگاه‌ها، این کودکان را متقبل می‌شوند. در حالی که طبق داده‌های پزشکی، مدت کوتاهی پس از اینکه مبتلایان اج‌آی‌وی تحت درمان قرار می‌گیرند، خطر انتقال ویروس از آنها به دیگران به صفر می‌رسد و در صورت وجود بستری مناسب و پیگیری درمان، آنها می‌توانند شبیه به سایر مردم زندگی عادی داشته باشند.

مدرسه ما آبرو دارد، ثبت‌نام نمی‌کنیم!

«دختر ما قرار بود کلاس اول برود، اما ثبت‌نامش نمی‌کردند». این را مادری می‌گوید که کودکش با اج‌آی‌وی زندگی می‌کند و شرایط عادی هم داشت، اما سال‌ها طول کشید تا توانست تحصیل رسمی را آغاز کند: «با همسر به مدرسه رفتیم و قرار شد کارهای ثبت‌نام دخترمان در انجام دهیم. مسئولان مدرسه با یک پزشک تماس گرفتند و تمام مخاطرات احتمالی را بررسی کردند که آن پزشک به آنها اطمینان داد هیچ‌گونه خطری وجود ندارد و نباید نگران انتقال بیماری باشند. حتی آن پزشک تأکید کرد زندگی دختر ما با سایر بچه‌ها تفاوتی ندارد. با این حال زیر بار ثبت‌نام نرفتند». قسمت دردناک ماجرا آنجا بود که مدیران مدرسه حرفی از انتقال و درمان هم نزدند: «شاید باورتان نشود اگر بگویم که جمله آخر مدیر مدرسه چه بود. آنها گفتند درست است که نگرانی برای انتقال بیماری وجود ندارد، اما به هر حال مدرسه ما آبرو دارد و نمی‌توانیم چنین کودکی را ثبت‌نام کنیم و کنار سایر دانش‌آموزان داشته باشیم».

بیمارستان زیربار جراحی نوزاد دارای HIV نرفت

یکی از پزشکان فعال در این زمینه که نخواست نامش در گزارش بیاید، هم ماجرایی از بیمارستان امام خمینی تهران تعریف می‌کند: مرکز درمانی‌ای که خود دارای مرکز تحقیقات ایدز است و انتظار می‌رود که میزان آگاهی در آنجا بالاتر باشد: «نوزادی را از جنوب کشور به این بیمارستان ارجاع داده بودند تا جراحی قلب بجا آید. همه کارها انجام شده بود و وقت عمل را هم گرفته بودند. اما مدت کوتاهی مانده به انجام جراحی، ناگهان نظر پزشکان تغییر کرد». آنها متوجه شده بودند والدین کودک مبتلا به اج‌آی‌وی هستند: «نوزاد خوش مبتلا نبود و فقط والدینش ویروس را در بدن داشتند. با این حال، چنان نگرانی در کادر درمان ایجاد شده بود که تصمیم گرفتند عمل جراحی را لغو کنند. توصیه‌شان این بود که از نظر علمی به این نتیجه رسیده‌اند که جراحی ضرورتی ندارد».

گفتند پسرتان HIV دارد، نمی‌شود سوار هواپیما شوید

ابتلا به این بیماری اما باعث می‌شود گاهی خدمات ساده زندگی را هم از افراد دریغ کنند. این را پدری می‌گوید که یک پسر مبتلا به اج‌آی‌وی را به سرپرستی گرفته است. آن زمان پسرش دوساله بود و آنها در فرودگاه، عازم سفری بودند: «در آن روزها هنوز شناسنامه پسرمر را نداده بودند و تنها در مدارک سرپرستی که ما در اختیار داشتیم، اسم بیماری درج شده بود. می‌خواستیم پرواز کنیم که به ما گفتند صبر کنید، مشکلی رخ داده است. مدتی منتظر ماندیم تا اینکه من کلافه شدم و پیگیری کردم». او در گفت‌وگو با مسئولان پرواز متوجه می‌شود که آنها به دلیل بیماری پسرش، نمی‌خواهند به آنها اجازه سفر دهند: «خیلی عجیب بود. یک مسئولی مقابل من قرار گرفت و گفت به دلیل بیماری پسرتان، باید استعلام بگیریم که آیا می‌توانیم شما را سوار هواپیما کنیم یا نه! راستش را بخواهید خیلی عصبانی شدم. حتی داد و بیداد کردم. باورم نمی‌شد یک آدم تحصیل‌کرده که شغل مهمی هم دارد، چنین حرف سراسر نادرستی بزند. اگرچه در نهایت

پرواز ما انجام شد اما اتفاقات شبیه به این به‌ویژه در سال‌های ابتدایی سرپرستی کم نبود».

مبتلا با غیرمبتلا تفاوتی نمی‌کند

«وحید جهان‌میری‌نژاد»، پزشک، مشاور بیماری‌های عفونی و آمیزشی و فعال اجتماعی در زمینه آسیب‌های اجتماعی درباره این بیماری‌ها، به توصیف زیست یک کودک دارای اج‌آی‌وی می‌پردازد: «برخلاف تصور خیلی‌ها، چه کودک و چه بزرگ‌سالی که مبتلا به اج‌آی‌وی باشد، اصلاً با درمان‌های موجود دیگر شرایط پیچیده‌ای ندارد. درواقع از نظر درمانی، با توجه به اینکه داروها بسیار مؤثر هستند و در ایران هم به صورت رایگان و محرمانه توزیع می‌شود، این افراد زندگی نسبتاً عادی‌ای دارند. متوسط طول عمر آنها کاملاً طبیعی است. از کودکی تفاوتی با سایر کودکان ندارند. همان واکسن‌هایی را دریافت می‌کنند که سایر کودکان باید در دوره‌های مختلف سنی خود بزنند. تنها تفاوت جزئی در نظام واکسیناسیون کودکان مبتلا به اج‌آی‌وی وجود دارد که آن هم اصلاً مهم نیست. در نتیجه کودکی آنها درصورتی‌که جامعه پذیرای حضورشان باشد، می‌تواند بدون هیچ تفاوت ویژه‌ای با سایر کودکان پیش برود و وارد دوره‌های سنی دیگر شود. در نتیجه، بزرگ‌سال مبتلا به این بیماری هم شبیه سایر مردم می‌تواند دانشگاه برود، شغل داشته باشد، ازدواج کند و همه مراحل دیگری را که یک انسان فاقد بیماری خاص پشت سر می‌گذارد، تجربه کند».
باین‌همه انگ اجتماعی شدیدی نسبت به این بیماری و مبتلایان آن، به‌ویژه در کادر درمان وجود دارد: «تا دل‌تان بخواهد نسبت به این افراد، انگ اجتماعی وجود دارد. شعر معروفی که می‌گوید: «من از بیگانگان هرگز نالام/ که من به هر چه کرد آن آشنا کرد»، متأسفانه مصداق دقیق و درست همین افراد است که شوربختانه شدیدترین انگ‌ها را از سوی کادر درمان دریافت می‌کنند. شاید پرسید که این اتفاق چگونه رخ می‌دهد؟ بسیاری از افراد مبتلا به اج‌آی‌وی، بارها در طول زندگی خود، چه در دوران کودکی و چه در دوران بزرگ‌سالی، تجربه این را دارند که با مراجعه به یک دندان‌پزشکی، مطب پزشک یا حتی در مواجهه با یک پرستار، با توقف درمان روبه‌رو شوند و به طور جدی ترش‌شان گرفته به‌طور مثال، یادم می‌آید که خانواده‌ای با کودک مبتلا به این بیماری، به چندین دندان‌پزشکی مراجعه کرده بودند و متأسفانه هیچ‌جا آنها را پذیرش نکرده بود».

کادر درمان ناآگاه است

همه اینها در شرایطی است که یک پزشک دست‌کم باید بداند بار ویروسی این افراد بعد از مدت کوتاهی از درمان به صفر می‌رسد و بیماری کلاً غیرقابل انتقال می‌شود. این غیرقابل انتقال بودن هم به این معناست که دیگر از هیچ راهی، نه خون، نه مایع بدن و نه از راه جنسی، امکان انتقال این ویروس وجود ندارد و کاملاً کنترل می‌شود. با این حساب، حتی افراد مبتلا به این بیماری یا خانواده‌های‌شان، نیازی ندارند وجود اج‌آی‌وی را به درمانگر خود اطلاع دهند. اما این خانواده خواسته بود صداقت بیشتری به خرج دهد و نتیجه‌اش این شده بود که بداحتی از درمان محروم‌شان کرده بودند. حالا تصور کنید که ما پزشک‌ها در ابتدای خدمت‌مان سوگند خورده‌ایم که همه بیماران را بپذیریم. آن وقت یک بیمار مبتلا به اج‌آی‌وی باید با چراغ دنبال درمانگر بگردد. او با اشاره به شیوع این بیماری در ایالت متحده آمریکا توضیح می‌دهد: «شیوع اولیه این بیماری در آمریکا اتفاق افتاد و همین الان هم تعداد مبتلایان به اج‌آی‌وی در این کشور با ایران قابل مقایسه نیست. به‌همین‌دلیل مراکز آماري متعددی داده‌ها دراین‌باره را ثبت می‌کنند. ازجمله اینکه درحالی‌که سالانه ۸۰۰ هزار مورد برخورد سوزن با بدن کادر درمان در ایالت‌های مختلف این کشور گزارش می‌شود اما از سال ۲۰۰۰ تا امروز، حتی یک مورد انتقال اج‌آی‌وی رخ نداده است که نشان می‌دهد ریسک ابتلا برای افراد تحت درمان صفر است و هیچ خطری بقیه را تهدید نمی‌کند. کادر درمان ما هم که در دوران کووید-۱۹ نشان داد تا چه اندازه تا پای جان برای مردم مایه می‌گذارد؛ پس این شکل از طردکردن مبتلایان به اج‌آی‌وی، نه از ترس جان، بلکه صرفاً به دلیل ناآگاهی است».

کسی این کودکان را نمی‌خواهد

به دلیل مراقبت‌هایی که از سال‌ها پیش نسبت به زنان باردار انجام شده است و تست اج‌آی‌وی در دو مرحله گرفته می‌شود، تعداد نوزادانی که با این بیماری به دنیا می‌آیند، بسیار کم شده است. اما همان تعداد اندکی که به دنیا

می‌آیند و شرایط‌شان به گونه‌ای است که به شیرخوارگاه‌ها اعزام می‌شوند، به واسطه فقدان آگاهی در جامعه، بدون سرپرست باقی می‌مانند. برخی از آنها حتی تا ۱۴، ۱۳سالگی در شیرخوارگاه آمنه مانده بودند، چون هیچ‌کسی تمایلی به پذیرش آنها نداشت و حتی پرورشگاه‌ها هم آنها را تقبل نمی‌کردند. به عقیده او، در یک دهه اخیر، خوشبختانه موج روشن و مثبتی دراین‌باره ایجاد شده است: «اولین‌بار هم چراغش در مشهد روشن شد. گروهی بودند که می‌گفتند اگر قرار است با پذیرش کودکی از پرورشگاه کار نیکی انجام دهیم، چه بهتر که سراغ کودکی برویم که بیشتر نیاز به مراقبت و همراهی و حمایت دارد. پس از آن این موج تا حدی به شهرهای دیگر هم رسید و می‌توان گفت که الان اوضاع کمی بهتر شده است». این پزشک با اشاره به از دست‌رفتن فرصت درمان برای کودکان مبتلا به این بیماری می‌گوید: «تفاوت کودکی که درمان می‌شود با کودکی که شانس درمان پیدا نمی‌کند، در این است که حدود ۵۰ درصد کودکان مبتلا به اج‌آی‌وی، در صورت از دست‌دادن فرصت درمان دچار عوارض متعددی می‌شوند. ازجمله اینکه حتی خطر فلج‌شدن نیز آنها را تهدید می‌کند، چراکه جدا از اینکه اج‌آی‌وی وارد گلبول سفید می‌شود و تعدادش را کاهش می‌دهد و بدن را به سمت مرحله ایدز می‌برد، در کودکان به‌طور مستقیم می‌تواند به CNS یعنی دستگاه عصبی مرکزی آسیب برساند و آن را از بین ببرد. اما به محض اینکه فرایند درمان آغاز می‌شود، اگرچه قطعی نیست، اما دیگر غییرقابل انتقال می‌شود. حلقه مفقوده هم اینجاست که از کادر درمان تا مردم این نکته مهم را نمی‌دانند و به محض اینکه نام این بیماری را می‌شنوند، در لاک دفاعی فرومی‌روند».

درحال‌حاضر فضای کلی جهان به سمتی رفته که حتی دیگر از واژه بیماری استفاده نمی‌کند: «همواره توصیفش برای این افراد این‌گونه است که می‌گوید افرادی که با اج‌آی‌وی زندگی می‌کنند، به‌عنوان عفونی‌که دائمی در بدن آنها وجود دارد، خودشان هم دست به خودافشایی می‌زنند در فضای عمومی درباره‌اش صحبت می‌کنند، درحالی‌که در برخی کشورها ازجمله ایران، آن‌قدر سطح انگ و فشار اجتماعی بالاست که این افراد به‌هیچ‌عنوان جرئت افشاکری ندارند، چون باید بعد از آن تاوان پس دهند».

اما برخی نهادها نقش خود را در زمینه مقابله با این بیماری و موضوعات فرهنگی پیرامون آن اجرا نمی‌کنند: «وزارت بهداشت و مشخصاً اداره ایدز و بیماری‌های خاص، آموزش‌های قابل توجهی در این زمینه کرده است. بخش ایدز سازمان ملل که دفتر مشترک این سازمان بود و در کشورهای مختلف ازجمله ایران فعالیت داشت، هم جزء یکی از مهم‌ترین نهادهایی بود که در این سال‌ها در این زمینه حمایت‌های مهمی کرده بودند. اما متأسفانه دفتر آنها در ایران بسته و بودجه‌های‌شان هم قطع شد که لطمه جدی هم در این زمینه به حساب می‌آمد. بسته‌شدن این دفتر در ایران از نظر اداری برای مبتلایان به این بیماری، مشکلی جدی ایجاد نکرد، چراکه داروها در کشور خودمان تولید می‌شود. اما قطعاً توقف حمایت‌های این دفتر تأثیر خود را گذاشته است. سازمان بهزیستی و سازمان زندان‌ها هم ازجمله نهادهایی هستند که در این زمینه با وزارت بهداشت همکاری می‌کنند. نام نهادهای دیگری هم دیده می‌شود اما اینکه صداوسیما یا آموزش و پرورش در فضای واقعی و در میدان عمل چه نقشی ایفا می‌کنند، راستش چندان روشن نیست».

از نگاه این پزشک و فعال اجتماعی، در زمینه بیماری‌های آمیزشی و مشخصاً اج‌آی‌وی و ایدز، مشکل اصلی ما نه بودجه و مسائل مالی بلکه موضوعات اجتماعی و فرهنگی است: «مشکل نوع نگرش به این بیماری است. مسئله تبعیض است که باید به طور جدی به آن پرداخته شود. شاید در زمینه پیشگیری که خیلی به ایران جدی نیست مسئله بودجه داشته باشیم، اما در بخش درمان ۲۰ هزار نفری که تحت درمان هستند، مشکل نظام سلامت با آنها از جهت مالی و بودجه نیست، بلکه صرفاً انگ اجتماعی برجسته است».

یادداشت

اینترنت خط‌سفید و افراط‌گری قومی

هفته گذشته موضوع خط و سیم‌کارت‌های سفید به جنجالی رسانه‌ای مبدل شد و در جریان افشاکری‌های صورت‌گرفته مشخص شد گروهی از روزنامه‌نگاران، سلبیرتی‌ها و مسئولان کشوری که از سیم‌کارت‌های بدون فیلتر یا به‌اصطلاح سیم‌کارت‌های سفید استفاده می‌کنند و در این میان حتی برخی از چهره‌های مشهور سیاسی و نمایندگان مجلس که سرسختانه از فیلترینگ دفاع می‌کنند خود از امتیاز سیم‌کارت سفید بهره‌مند هستند و رطب‌خوردگانی هستند که منع رطب می‌کنند؛ اما در کنار این اخبار مشخص شد برخی کانال‌ها و شبکه‌های ضد دینی و فحاش به اعتقادات دینی و همچنین برخی کانال‌های افراطی سیاسی که دعوت به شورش و اعتراضات خیابانی می‌کنند نیز توسط کسانی اداره می‌شود که دارای سیم‌کارت سفید هستند. اینکه با چه مجوزی چنین اقداماتی صورت می‌گیرد، موجب بروز ابهام‌ها و پرسش‌های بی‌پایانی شده که درحال‌حاضر پاسخ‌ی برای آن وجود ندارد. اما سوی دیگر این ماجرا وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که مشخص شده برخی از کانال‌ها و مراکز تجزیه‌طلب و افراطی قوم‌گرا نیز با استفاده از سیم‌کارت‌های سفید به نشر مطالب تفرقه‌برانگیز و افراطی می‌پردازند و تاکنون چنین تصور می‌شد که این کانال‌های مجازی فعال در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در خارج از کشور مستقر هستند.

اینکه گروهی با استفاده از سیم‌کارت سفید این‌هم در داخل کشور به آتش افراط‌گری قومی و تجزیه‌طلبی بدمند، ما را با چند مفروض روبه‌رو می‌کند؛ یک مفروض این است که چنین تلقی شود که عده‌ای از کسانی که سیم‌کارت سفید دارند، به صورت شخصی و فردی یا گروهی و بدون وابستگی به دولت یا نهادی خاص فعالیت‌های قوم‌گرایانه خود را پیش می‌برند. یعنی از این دسته از افراد دارای سیم‌کارت سفید از سیم‌کارت خود سوااستفاده کرده و به فعالیت‌های ضد ملی مشغول هستند. مفروض دیگر این است که چنین فعالیت‌های قوم‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه‌ای نه توسط دارندگان معمول سیم‌کارت سفید بلکه فرایندی نهادی‌شده و سازمان‌دهی‌شده با اهداف خاصی توسط گروهی خاص است.

اگر مفروض نخست درست باشد و افرادی مستقل از دولت و وابستگی به حاکمیت تنها با استفاده از سیم‌کارت سفید اقدامات تجزیه‌طلبانه و قوم‌گرایانه خود را طراحی و اجرا می‌کنند، پرسشی طرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا دولت و دستگاه‌های ذی‌ربط درحالی‌که اکثریت شهروندان از اینترنت فیلترشده استفاده می‌کنند، چرا و چگونه عده‌ای وابسته و قوم‌گرا و تجزیه‌طلب از سیم‌کارت سفید و اینترنت بدون فیلتر استفاده می‌کنند؟ آیا این افراد در حال پیش‌بردن پروژه خاصی هستند یا اینکه با غفلت نهادها، با نفوذ در دستگاه‌های دولتی موفق به دریافت امتیاز سیم‌کارت سفید شده‌اند تا اهداف ضد ایرانی و تجزیه‌طلبانه خود را پیش ببرند؟ در هر حال این سناریو عذر بدتر از گناه است و باید روشن شود که با چه روشی و چرا چنین سیم‌کارت‌های سفیدی در خدمت اهداف ضد انسجامی و تجزیه‌طلبانه و قوم‌گرایانه قرار گرفته است؟

اگر مفروض دوم درست باشد و سیم‌کارت‌های سفید قوم‌گرا و افراطی و ضد انسجامی به صورت نهادمند و سازمان‌یافته در حال فعالیت هستند و جریان‌ی خاصی به مدیریت این کانال‌ها اشتغال دارد یا اینکه نفوذی صورت گرفته، باز با ابهام‌های بیشتری روبه‌رو می‌شویم. مگر انسجام و همبستگی ملی را می‌توان با هر دلیل و انگیزه‌ای بازیه پرداخت. به دلیل محدودیت‌های جاری بیش از این نمی‌توان به صورت شفاف به تحلیل و ارزیابی پرداخت اما دوباره درباره فعالیت‌های قوم‌گرایانه و افراط‌گری قومی هشدار داده می‌شود. امید است نهادهای مسئول درباره فعالیت‌های افراطی قوم‌گرایان یا ترقی و پان‌کردی توسط برخی سیم‌کارت‌های سفید روشنگری کنند و اگر تخلفی صورت گرفته با متخلف برخورد شود یا چنانچه موضوع ابعاد دیگری دارد، با روشنگری به افکار عمومی مانع نشر شایعات و گمانه‌زنی‌های بیشتر دراین‌باره شوند.